

## نقش ابعاد دلبستگی به والدین و فرایندهای شناختی بر سبک‌های پردازش هویتی جوانان

شهرام واحدی\* و محمد ضرابی\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین ابعاد دلبستگی به والدین، فرایندهای شناختی (پردازش منطقی و شهودی) و شکل‌گیری سبک‌های هویتی دانشجویان با روش پیمایشی انجام شد. برای این منظور، ۲۸۰ دانشجوی کارشناسی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های دلبستگی والدین، پرسشنامه شکل‌گیری هویت، مقیاس باور به شهودی و نیاز به شناخت را تکمیل کردند. با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن، پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-همبستگی اجرا شد. برای بررسی نقش متغیرهای پیش‌بین از تجزیه رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی به روش گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که در میان کلیه متغیرها، پردازش شناختی، بیش‌ترین میزان تبیین و پیش‌بینی‌کنندگی سبک اطلاعاتی دانشجویان را به خود اختصاص داده است. پردازش شهودی و منطقی به طور مثبت سبک هویتی اطلاعاتی، پردازش شهودی و ارتباط پدر سبک هویتی هنجاری را پیش‌بینی کرد. از بین تمامی مؤلفه‌های دلبستگی والدین و پردازش شناختی تنها مؤلفه پردازش منطقی توانست به صورت منفی سبک سردرگمی دانشجویان را پیش‌بینی کند.

### کلید واژه‌ها

سبک‌های هویت؛ فرایند شناختی؛ ابعاد دلبستگی به والدین؛ دانشجویان

## مقدمه

یکی از تکالیف اساسی رشد دوران نوجوانی، تحول هویت پایدار و منسجم است (اریکسون؛ به نقل از برزنسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). هر چند که همه نوجوانان این مراحل رشد را به نسبت یکسان و به طور موفقیت‌آمیز طی نمی‌کنند. برخی از نوجوانان به هویت یکپارچه دست می‌یابند، در حالی که برخی از نوجوانان در وضعیت هویتی سردرگم می‌مانند. چند رویکرد نظری، تفاوت‌های فردی نوجوانان را در نحوه تشکیل هویت (به عنوان مثال مارسیا<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰) و کشف هویت بررسی کردند (به عنوان مثال، برزنسکی، ۱۹۹۰). یکی از نظریه‌های جدید رشد هویت، نظریه برزنسکی است که مبنای نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. برزنسکی و کاک<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) مفهوم پیچیده بحران هویت نظریه‌پردازانی چون اریکسون را در مفاهیم ساده‌تر دیدگاه شناختی یعنی مهارت‌های مقابله‌ای با تأکید بر مهارت حل مسأله تبیین کرده است. براساس این الگو، برزنسکی (۱۹۹۰) سه سبک کاوش و پردازش اطلاعات مربوط به هویت را متمایز کرد که جایگاه محوری در شکل‌گیری هویت در پژوهش جاری را تشکیل می‌دهد. این سبک‌ها ناشی از راهبردهای حل مسأله یا ساز و کارهای مقابله‌ای است.

عوامل گوناگونی مانند فرایندهای شناختی و دلبستگی والدین بر شکل‌گیری هویت تأثیر می‌گذارند. اریکسون و پیازه (به نقل از برزنسکی، ۲۰۰۸) فرض کرده‌اند که فرایندهای شناختی در شکل‌گیری هویت نقشی مهمی بازی می‌کنند. اگر چه تلاش‌های انجام شده برای اثبات روابط بین استدلال عملیات صوری و تشکیل هویت نتایج پیچیده‌ای را ارائه کرده‌اند (بویس و چندلر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲). تفاوت‌های پایداری در سبک‌های شناختی-اجتماعی مورد استفاده برای پردازش اطلاعات وابسته به خود<sup>۵</sup> و انتقال مسائل هویتی پیدا شده است (برزنسکی، ۲۰۰۴). سبک‌های هویتی بر ترجیحات ابراز شده در استفاده از راهبردهای شناختی-اجتماعی برای درگیری یا اجتناب از تکلیف مرتبط با ایجاد و حفظ هویت اطلاق می‌شود. برزنسکی بر این

- 
1. Berzonsky
  2. Marcia
  3. Kuk
  4. Boyes & Chandler
  5. self. relevant. information

باور است که نوجوانان توانایی انتخاب یکی از این سه سبک را دارند: اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی - سردرگمی. سبک هویتی اطلاعاتی که ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک برای اداره موقعیت‌های روزانه است. افراد دارای سبک هویتی اطلاعاتی مجدانه جستجو می‌کنند، پردازش می‌کنند و اطلاعات مربوط به خود را ارزیابی می‌کنند. سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مستقیم با انعکاس خود، تمرکز بر مسأله، سبک معرفت‌شناسی خردگرایانه، علاقه زیاد به شناخت چیزهای جدید درباره خود، تصمیم‌گیری براساس نقشه، هوشیاری و پذیرا بودن برای تجربه ارتباط دارد. سبک اطلاعاتی با مقابله مسأله مدار، انگیزش شناختی و گشودگی نسبت به عقاید متناوب همراه است (به نقل از برزنسکی، ۲۰۰۸).

افراد هنجاری به شکل کاملاً خودکار، معیارها و انتظارات افراد مهم را درون‌سازی می‌کنند و خود را تطبیق می‌دهند (هیگنز، به نقل از برزنسکی، ۲۰۰۸). سبک هنجاری شامل یک دیدگاه بسته ذهنی و خودپنداری ثابت و سرکوب‌کننده اکتشاف است. هدف اولیه آن‌ها، دفاع و حفظ دیدگاه شخصی موجودشان است. این افراد بسیار دفاعی هستند، تحمل پایینی نسبت به ابهام و نیاز زیادی به ساختار دارند. این روش بسیار نزدیک به وضعیت تفویض اختیار ماریسیا است. افراد دارای سبک هویت هنجاری به دلیل تبعیت از انتظارات و دیدگاه‌های افراد مهم زندگی خود، با تعارضات هویت مواجه، رفتار و تصمیم‌های آن‌ها تحت تأثیر موقعیت است. سبک هنجاری به شکل منفی با گشودگی نسبت به ارزش‌ها و فعالیت‌های جایگزین توأم هست، اما به شکل مثبت با نیاز به بسته بودن شناختی همراه هست (برزنسکی، ۱۹۹۰؛ دوریز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ سونز<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵).

سبک هویتی سردرگم - اجتنابی با تعلل‌ورزی و تلاش برای طفره رفتن از تعارض‌های هویتی همراه است (برزنسکی، ۲۰۰۴). این نوع سبک هویت با سطح پایین خودآگاهی، هوشیاری شناختی و با سطح بالای راهبردهای تصمیم‌گیری و شناختی ناکارآمد رابطه مستقیم دارد. سبک اجتنابی - سردرگم با انطباق‌یابی هیجان‌مدار (برزنسکی، ۱۹۹۰؛ سونز و همکاران، ۲۰۰۵) و راهبردهای تصمیم‌گیری ناسازگارانه مثل تعلل‌ورزی پیش از تصمیم‌گیری،

- 
1. Duriez
  2. Soenens

عقلی‌سازی پس از تصمیم‌گیری و معذرت‌خواهی همراه هست (برزنسکی و فراری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶). برزنسکی معتقد است که سبک هویت اطلاعاتی در افرادی بیش‌تر دیده می‌شود که هویت موفقی دارند یا در حال طی فرایند دست‌یابی به تعهدات پایدار هویتی هستند (هویت دیررس). همچنین سبک هویت هنجاری، با تعهدات هویتی زودرس همراه است، به این معنی که تعهد در شخص، بدون طی فرایند فعال اکتشاف «خود» شکل گرفته است. در نهایت، سبک پردازش هویتی سردرگم/اجتنابی در نوجوانان، فاقد تعهد دیده می‌شود که در وضعیت هویتی سردرگم طبقه‌بندی می‌شوند (به نقل از فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶).

شواهد نشان می‌دهد که در اواخر نوجوانی، اغلب افراد بهنجار توانایی شناختی را رشد داده‌اند تا از راهبردهای پردازش مربوط به هر سه سبک را استفاده کنند (برزنسکی و فراری، ۱۹۹۶؛ برزنسکی و کاک، ۲۰۰۵). تفاوت‌های فردی در سبک‌های گزارش شده در طی اواخر نوجوانی و بزرگسالی تصور می‌شود به جای تفاوت‌های تحولی در کفایت شناختی-اجتماعی بیان‌کننده ترجیحات فردی نسبتاً پایدار باشد.

نظریه خود تجربی-شناختی آپستین<sup>۲</sup> دو نظام اطلاعاتی موازی را مسلم فرض می‌کند. یک نظام منطقی که اطلاعات غیر بافتی و نمادین را به یک شیوه آزادی، منطقی و توأم با تلاش پردازش می‌کند. این نظام منطقی محور است که بر اساس منطق و شواهد، به توجیه فعالیت‌های اطلاعاتی اقدام می‌کند. نظام شناختی-شهودی<sup>۳</sup> تجربه‌مدار، اطلاعات عینی، هیجانی و بافتی را به شیوه کلی بدون تلاش و خودکار پردازش می‌کند. در بیش‌تر موقعیت‌های زندگی، خودکار بودن همراه با نظام شهودی آن را یک نظام برجسته یا دارای قصور می‌کند (اپستین، ۱۹۹۰). پردازش شهودی اثربخش و کارآمد هست، اما نسبت به تغییر شکل و سوگیری نیز مستعد است. نظام پردازش منطقی نیازمند تلاش ذهنی بیش‌تری است، اما به‌طور نسبی برای سوگیری و تغییر شکل کم‌تر مستعد است. در هر دو فرایند منطقی و شهودی چنین فرض می‌شوند که آن‌ها نقشی را در خودسازی و رفتارهای انطباقی بازی می‌کنند و افراد می‌توانند بین آن‌ها تغییر موضع دهند (به نقل از برزنسکی، ۲۰۰۸).

1. Ferrari
2. cognitive. experiential self. theory
3. Epstein
4. intuitive cognitive system processes

بر اساس دیدگاه ایستین و همکاران (۱۹۹۶) و برزنسکی (۲۰۰۴) پردازش منطقی و شهودی هر دو نقشی را در خودسازی<sup>۱</sup> بازی می‌کنند؛ روابط مثبتی بین سبک اطلاعاتی و هر دو پردازش تجربی/شهودی و منطقی پیش‌بینی می‌شود. به هر حال، چون افراد دارای سبک اطلاعاتی در مقایسه با افراد دارای سبک هنجاری یا اجتنابی - سردرگم به احتمال بیش‌تر درگیر فعالیت‌های خود اکتشافی می‌شوند (برزنسکی، ۲۰۰۴). چنین تصور می‌شود که رابطه بین نمرات اطلاعاتی و پردازش منطقی، قوی‌تر از رابطه بین نمرات اطلاعاتی و پردازش شهودی خواهد بود. به دلیل این که سبک هنجاری شامل درونی‌سازی نسبتاً خودکار انتظارات و ارزش‌های افراد مهم است (برزنسکی، ۱۹۹۰)، رابطه مثبتی بین فرایندهای شهودی و سبک هنجاری پیش‌بینی می‌شود. در نهایت، اگر چه سبک اجتنابی - سردرگمی ممکن است به شکل مثبت با پردازش شهودی بدون کوشش رابطه داشته باشد، اما به شکل منفی با پردازش منطقی رابطه دارد (برزنسکی، ۱۹۹۰؛ برزنسکی و فراری، ۱۹۹۶). در این بررسی نیز تلاش می‌شود نقش سبک‌های هویتی و فرایندهای استدلالی شهودی و منطقی در تشکیل هویت ارزیابی شود. کلازینسکی<sup>۲</sup> و همکاران، دریافتند که پردازش منطقی با سطوح بالاتر مؤفقیست هویتی ایدئولوژیک و سطوح پایین‌تر هویت زودرس و آشفتگی ارتباط دارد و پردازش شهودی با سطوح بالاتر آشفتگی درون‌فردی رابطه دارد (به نقل از کلازینسکی، ۲۰۰۴). با این حال، این پژوهش‌گران تنها ۴۹ نوجوان را مطالعه کرده‌اند و کواریانس بین مقیاس‌های حالت‌های هویتی را کنترل نکرده‌اند که ممکن است به بزرگ‌نمایی بعضی از روابط منجر شده است. پژوهش حاضر در صدد بررسی مجدد مطالعه کلازینسکی و همکاران در نمونه بزرگ‌تر است. هم‌چنین به تعیین این موضوع اقدام می‌شود که فرایندهای استدلالی شهودی، منطقی و سبک‌های هویتی به‌طور مستقل در شکل‌گیری هویت چه نقشی را دارند. صرف‌نظر از نقش پردازش شناختی، زمینه خانوادگی نیز در شکل‌گیری هویت به‌طور اعم و در رشد سبک هویتی به‌طور اخص نقش بسزایی دارد. طبق دیدگاه‌های نظری مانند نظریه نظام‌های خانواده و نظریه دل‌بستگی بالبی، کیفیت والدینی بالاتر<sup>۳</sup> ادراک مثبت از خود و دیگران

1. self. construction
2. Klaczynski
3. high. quality parenting

سهیم است که پایگاه امنی برای اکتشاف افراد فراهم می‌کند (به نقل از بیرز و گوزنز، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، طبق نظریه نظام‌های خانواده، فرایند جدایی - تفرد، رشد هویت را تسهیل می‌کند. طوری که مارسیا بدان اشاره کرده‌است «رشد هویت سالم با درگیر شدن در اعمال و فعالیت‌های گوناگون که اطلاعاتی را درباره «خود» و تعهد درباره عقایدی درباره دیگران و ترجیحات دیگران فراهم می‌آورد مرتبط است». به همین خاطر، افراد با جدایی - تفرد پایین ممکن است هویت آشفته و سردرگم را تجربه کنند که در آن نه جنبه‌هایی از اکتشاف و نه جنبه‌هایی از تعهد وجود دارد. چرا که آن‌ها خود را به‌عنوان افراد مستقل از مراقبان خود در نظر نمی‌گیرند. در نتیجه، خودپنداره ثابتی از خود ندارند و در قضاوت درباره خودشان به درون‌دادها و پسخوراندهای بیرونی متکی هستند. بنابراین، به نظر می‌رسد که یک رابطه منفی بین جدایی - تفرد و آشفتگی هویت وجود داشته باشد، طوری که پژوهش‌های قبلی (نقل از بیرز و گوزنز، ۲۰۰۸) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند.

در پژوهش‌های مختلف رابطه بین دو سازه هویت و دلبستگی مطالعه شده است که نتایج آن‌ها متفاوت است. در برخی از این پژوهش‌ها بین دلبستگی ایمن و پایگاه هویت موفق رابطه مثبت مشاهده شد، اما بین دلبستگی ایمن و پایگاه هویت سردرگم رابطه منفی وجود داشت و در برخی دیگر، بین دلبستگی ایمن و پایگاه هویت پیش‌رس رابطه مثبتی به‌دست آمده‌است. در سایر پژوهش‌ها نیز هیچ‌گونه رابطه بین دو سازه به دست نیامده‌است (به نقل از صالح نصرتی و همکاران، ۱۳۸۵).

با توجه به تناقضات موجود در یافته‌های پژوهش‌های انجام شده و هم‌چنین انجام نشدن چنین پژوهشی در داخل کشور، انجام‌دادن چنین مطالعه‌ای می‌تواند مفید باشد. سؤال پژوهش حاضر این است تا چه حد پردازش‌های استدلالی خودکار/ شهودی و قیاسی/ عقلی و ابعاد دلبستگی والدین می‌توانند نوع سبک‌های پردازش هویتی دانشجویان را پیش‌بینی کنند.

## روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دوره کارشناسی ترم اول و دوم دانشگاه‌های تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۹ تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری، به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. بدین ترتیب،

با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه تاباکنیک و فیدل<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) تعداد ۲۸۰ دانشجوی (۱۵۰ دختر و ۱۳۰ پسر) در سه مرحله با بهره‌مندی از واحدهای نمونه‌گیری مختلف (واحد مرحله اول: دانشگاه تبریز از بین دانشگاه‌های تبریز؛ واحد مرحله دوم: دانشکده‌های مختلف شامل علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی؛ واحد مرحله سوم: یک یا دو کلاس از هر دانشکده) انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، دانشجویان پرسشنامه‌های ابعاد دلبستگی والدین و سبک پردازش هویت نوع Q (IPSQ) و پرسشنامه تجربی در برابر منطقی<sup>۲</sup> (RVE) تکمیل کردند. میانگین سنی دانشجویان پسر ۱۹/۳ (انحراف معیار ۱/۴۵) و ۱۸/۵ دختر (انحراف معیار ۱/۵۳) بود.

ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش عبارت بودند از:

۱) پرسشنامه ابعاد دلبستگی والدین (IPPA)<sup>۳</sup>؛ نسخه تغییر یافته پرسشنامه دلبستگی پدر و مادر (آرمسدن و گرینبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷) از ۵۰ گویه (۲۵ گویه برای هر والد) تشکیل شده است که جنبه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی آزمودنی‌ها را نسبت به والدین ارزیابی می‌کند. پرسشنامه مذکور برای بررسی ابعاد گوناگون دلبستگی (اعتماد متقابل، کیفیت ارتباط و بیگانگی<sup>۵</sup>) تنظیم شده است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). خرده‌مقیاس اعتماد با ۱۰ گویه، احساس امنیت پاسخ‌گویان در میزان پاسخ‌دهی والدین نسبت به نیازهای هیجانی آن‌ها، بعد ارتباطی با ۹ گویه، کمیت و کیفیت ارتباط کلامی و خرده‌مقیاس بیگانگی با ۶ گویه احساسات بیگانگی و انزوا را می‌سنجید. داشتن نمرات بالا در هر مقیاس نشان‌دهنده دلبستگی ایمن است. اعتبار سازه و همگرایی این ابزار از طریق محاسبه همبستگی با ابزارهایی مانند تعارض، حمایت و همبستگی خانواده، بهزیستی درونی، رضایت از زندگی، افسردگی/اضطراب، رویدادهای زندگی و... تأیید شده است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). مطالعات انجام شده ضرایب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۸ تا ۰/۹۱، پایایی آزمون و آزمون مجدد در طی سه هفته را ۰/۹۳ برآورد کردند. برآورد ضریب پایایی را با استفاده از

- 
1. Tabachnick & Fidell
  2. Rational Versus Experiential Inventory
  3. inventory of parent and peer attachment
  4. Armsden & Greenberg
  5. alienation

روش آزمون و آزمون مجدد در یک فاصله زمانی دو هفته‌ای ۸۳/۰۸۹/۰ محاسبه کردند. به جز ۷ مورد از ۳۲ گویه، ضریب همبستگی همه گویه‌ها بالای ۴/۰ محاسبه شد. میزان پایایی ابزار ترجمه شده در این پژوهش را محقق بررسی کرد. بعد از تأیید روایی صوری و محتوایی، پایایی درونی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های دلبستگی مادر و پدر به ترتیب  $\alpha = 0.85 - 0.83$  به دست آمد.

۲) سبک پردازش هویتی نوع Q (IPSQ): این پرسشنامه ۶۰ سؤالی را برزنسکی (۲۰۰۸) برای ارزیابی سه سبک هویتی اطلاعاتی، سردرگم و هنجاری تنظیم کرده است. در پژوهش حاضر IPSQ به صورت پرسشنامه مداد کاغذی تنظیم شد و پاسخ آزمودنی به سؤال‌ها به شکل طیف لیکرت پنج درجه‌ای بود که شامل کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ است. برزنسکی (۲۰۰۸) ضریب پایایی بازآزمون را برابر با ۰/۷۱ برآورد کرد. روایی واگرایی و همگرایی برای IPSQ با سایر آزمون‌های هویتی، کیفیت روابط خانوادگی، کفایت اجتماعی، سبک‌های مقابله‌ای و مطلوبیت اجتماعی تأیید شده است (برزنسکی، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۸۳/۰ محاسبه شد.

۳) پردازش شناختی منطقی و شهودی: مقیاس باور به شهودی از پرسشنامه تجربی در برابر منطقی (اپستاین و همکاران، ۱۹۹۶) برای ارزیابی پردازش شناختی خودکار/ شهودی استفاده شد. اپستاین و همکاران (۱۹۹۶) معتقد هستند که نمرات پردازش شهودی مربوط به استدلال مبتنی بر هیجان مانند خوش‌بینی ساده لوحانه، خرافات و تفکر قالبی است: ۱۲ گویه مانند من اعتماد به احساس وقوع امری در آینده اعتقاد دارم،  $\alpha = 0.84$ . به دنبال اپستاین و همکاران (۱۹۹۶)، پردازش تحلیلی/منطقی به وسیله نیاز به مقیاس شناخت<sup>۲</sup> (کاسیپو<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۴)، میزانی را که افراد برانگیخته می‌شود تا در پردازش اطلاعاتی تلاش‌گونه به صورت عمدی (۱۸ گویه، من مسائل پیچیده را نسبت به مسائل ساده ترجیح می‌دهم) درگیر می‌شود ارزیابی شد،  $\alpha = 0.87$ . پایایی و روایی داده‌ها در کاسیپو و پتی (۱۹۸۲) و کاسیپو و همکاران (۱۹۸۴) ارائه شده است.

1. identity processing style Q. sort
2. need for cognition scale
3. Cacioppo



### یافته‌ها

قبل از اجرای تحلیل، داده‌های پرت تک‌متغیره و چندمتغیره به دقت کنترل شد و از مجموعه داده‌های نمونه حذف شدند. منظور از داده‌های پرت تک‌متغیره آن تعداد داده‌هایی بودند که نمرات بالاتر از ۳ انحراف معیار بالاتر یا پایین‌تر از میانگین گرفتند. در مجموع، ۲۰ نفر از پاسخگویان از نمونه آماری (۳۰۰ نفر) حذف شدند. داده‌های پرت چند متغیره با استفاده از مقیاس فاصله ماهالانویس (نمرات  $D^2$  ماهالانویس) بررسی شدند. هیچ کدام از موارد به عنوان داده‌های پرت چند متغیره شناسایی نشدند ( $p < 0/001$ ). همچنین از خطی بودن رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک به کمک آزمون خطی بودن همبستگی اطمینان حاصل شد.

در جدول ۱ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. یافته‌های جدول نشان دهنده این است که به جز پردازش شناختی و سبک اطلاعاتی و هنجاری، سبک اجتنابی آزمودنی‌ها با هیچ یک از مؤلفه‌های دلبستگی والدین رابطه معناداری ندارد. بین سبک اطلاعاتی دانشجویان و مؤلفه‌های دلبستگی والدین (اعتماد و ارتباط) و پردازش شناختی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به غیر از بیگانگی والدین و پردازش منطقی، بقیه زیر مقیاس‌های دلبستگی والدین و پردازش شهودی همبستگی مثبت و معناداری با سبک هنجاری دانشجویان نشان داد.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و همبستگی‌های بین متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	M	S.D	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
الف) سبک‌های پردازش هویتی:													
۱- سبک اطلاعاتی	۶۳/۸۳	۶/۳۲	۱										
۲- سبک اجتنابی	۴۸/۷۳	۵/۳۴	**.۲۸	۱									
۳- سبک هنجاری	۵۳/۱۵	۵/۳۷	**.۴۲	**.۴۲	۱								
ج) ابعاد دلبستگی پدر:													
۴- اعتماد	۲۵/۸۰	۴/۸۸	**.۱۸	.۰۷	**.۳۶	۱							
۵- ارتباط	۲۳/۵۴	۴/۳۶	**.۱۴	.۰۸	**.۲۷	**.۳۶	۱						
۶- بیگانگی	۲۹/۴۴	۴/۰۴	.۰۲	.۰۹	.۰۲	.۱۰	.۱۰	۱					
ب) ابعاد دلبستگی مادر:													
۷- اعتماد	۲۷/۳۰	۴/۹۱	**.۲۰	.۰۳	**.۲۲	**.۵۴	**.۴۸	.۱۰	۱				
۸- ارتباط	۲۵/۰۳	۴/۵۵	**.۱۶	۰	**.۲۲	**.۵۳	**.۵۱	**.۱۷	**.۸	۱			
۹- بیگانگی	۲۹/۳۳	۳/۸۹	.۰۵	.۱۰	.۱۳	.۰۵	.۰۸	**.۴۱	.۰۴	.۰۲	۱		
د) پردازش شناختی:													
۱۰- پردازش منطقی	۱۶/۴۸	۳/۰۹	**.۳۵	**.۲۰	.۰۶	.۱۲	.۰۵	**.۱۸	.۰۷	.۰۷	-.۱۰	۱	
۱۱- پردازش شهودی	۱۷/۵۴	۳/۰۶	**.۳۰	**.۲۸	.۰۷	.۰۷	-.۰۴	.۰۸	.۰۹	.۰۹	-.۰۱	**.۱۶	۱

\* در سطح احتمال ۰/۰۵. معنادار است. \*\* در سطح احتمال ۰/۰۰۱. معنادار است.

## بررسی میزان پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد دلبستگی والدین و پردازش شناختی در زمینه سبک‌های پردازش هویتی

به منظور تعیین سهم ابعاد دلبستگی والدین و سبک‌های پردازش شناختی در پیش‌بینی سبک‌های هویتی از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام استفاده شد. به این ترتیب که سبک‌های هویتی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد، که مطابق با مبانی نظری و پژوهشی (کامپل و همکاران، ۱۹۸۴ و اسکالیس و بلوستین، ۱۹۹۴: به نقل از اویلا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ ماتوس<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۹ و زیمرمن و بیکراستول<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲) مبنی بر تقدم متغیرهای پیش‌بین (ابعاد دلبستگی والدین و نوع پردازش شناختی) از روش رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. به عبارتی، از آنجایی که سبک‌های هویتی منعکس‌کننده فرایندهای شناختی-اجتماعی درگیر در پردازش اطلاعات مربوط به خود، و تکوین هویت در نظر گرفته می‌شود (برزنسکی، ۲۰۰۴، ۱۹۹۰) فرض بر این است که بین فرآیندهای کلی استدلال عقلانی و شهودی و سبک‌های هویت رابطه وجود دارد. برای انجام دادن تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام برای ابعاد دلبستگی والدینی در یک بلوک و سبک‌های پردازش شناختی در بلوک دیگر قرار داده شد و نتایج به دست آمده در جدول ۲ ارائه شده است. این روش ورود متغیرهای پیش‌بین به صورت سلسله مراتبی در پیش‌بینی متغیر ملاک این امکان را فراهم می‌کند تا سهم افزوده و انحصاری متغیرهای پیش‌بین در گام‌های دوم به بعد به خوبی روشن و مشخص شود (آیکن و وست<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱)

### الف) سبک پردازش هویت اطلاعاتی

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند که متغیرهای پیش‌بین مرحله یک به طور معناداری سبک اطلاعاتی را پیش‌بینی کرد ( $p < 0/001$ )،  $F(2, 274) = 33/05$  و  $R^2 = 0/19$  با وارد کردن ابعاد دلبستگی والدین در مرحله دوم، مقدار پیش‌بینی در حدود ۲٪ افزایش یافت. نتایج به دست آمده، در جدول ۲ نشان می‌دهد مجموع متغیرهای پردازش شناختی در این گام توانستند ۳۲

1. Ávila
2. Matos
3. Zimmerman & Becker-Stoll
4. Aiken & West

درصد واریانس متغیر ملاک را تبیین کنند ( $p < 0/001$  و  $F(2, 268) = 13/99$  و  $\Delta R^2 = 32$ ). پردازش شهودی ( $P < 0/001$  و  $\beta = 0/12$ ) و پردازش منطقی رابطه مثبتی با متغیر ملاک داشتند ( $P < 0/001$  و  $\beta = -0/33$ ). به طور کلی، در بین کلیه متغیرها، پردازش شناختی، بیش‌ترین میزان تبیین و پیش‌بینی‌کنندگی سبک اطلاعاتی دانشجویان را به خود اختصاص داد.

#### ب) سبک هنجاری

نتایج حاصل از گام اول نشان داد که متغیرهای پیش‌بین فقط ۲۷ درصد واریانس سبک هنجاری را تبیین کردند ( $p < 0/001$  و  $F(2, 269) = 51/99$  و  $\Delta R^2 = 27$ ). در گام دوم، ابعاد دل‌بستگی والدین به معادله پیش‌بینی اضافه شد. هیچ‌کدام از زیر مقیاس‌های ابعاد دل‌بستگی والدین سهم معناداری در پیش‌بینی سبک هویتی هنجاری دانشجویان نداشتند. در مرحله سوم، برخلاف انتظارات، از بین تمامی متغیرها، پردازش شهودی و ارتباط پدر به صورت مثبت توانستند سبک هنجاری را پیش‌بینی کند و بقیه متغیرها به دلیل فقدان معناداری از معادله رگرسیون خارج شدند ( $p < 0/001$  و  $F(2, 265) = 51/31$  و  $\Delta R^2 = 274$ ).

#### ج) سبک هویتی سردرگمی

متغیرها در گام اول به طور معنادار، سبک هویتی سردرگمی را ( $p < 0/001$  و  $F(2, 277) = 30/21$ ) تبیین کردند. در گام دوم، ابعاد دل‌بستگی والدین به معادله پیش‌بینی اضافه شد و به دلیل فقدان معناداری از معادله خارج شدند. برخلاف انتظارات، در مدل نهایی، سبک هویتی سردرگمی به طور معناداری در گام دوم توسط پردازش منطقی به طور منفی تبیین شد ( $p < 0/001$  و  $F(2, 275) = 8/21$  و  $\Delta R^2 = 20$ ).

جدول ۲: تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام سبک‌های هویتی روی ابعاد دلبستگی والدین و پردازش شناختی

متغیرهای پیش بین		شاخص					
متغیر	β	سبک اطلاعاتی			سبک هنجاری		
		گام ۱	گام ۲	گام ۳	گام ۱	گام ۲	گام ۳
سبک اطلاعاتی							
سبک هنجاری		**.۳۷	**.۳۴	**.۳۲	**.۲۹	**.۲۵	**.۱۷*
سبک سردرگمی-اجتنابی		-.۱۲	-.۱۳	-.۱۵	**.۳۳*	**.۳۰	-
اعتماد		-.۱۱	-.۰۵	-.۰۵	-.۰۲	-.۰۴	-
ارتباط		-.۰۰۵	-.۰۲	-.۰۲	-.۰۸	-.۰۶	-
بیگانگی (بی توجهی)		-	-	-	-.۰۸	-.۰۸	-
اعتماد		-.۰۹	-.۰۲	-.۰۲	-.۰۳	-.۰۷	-
ارتباط		-.۰۸	-.۰۲	-.۰۲	-.۱۵	-.۱۹	-
بیگانگی (بی توجهی)		-	-	-	-.۰۸	-.۰۹	-
پردازش منطقی		**.۳۳*	**.۳۳*	**.۳۳*	-	-	-.۱۵*
پردازش شهودی		**.۱۲*	**.۱۲*	**.۱۲*	**.۱۷*	**.۱۷*	-.۰۹
R <sup>۲</sup>		.۱۹	.۲۱	.۳۴	.۲۸	.۳۳	.۲۱
Adjusted R <sup>۲</sup>		.۱۹	.۲۰	.۳۲	.۲۷	.۳۲	.۲۰

\* در سطح احتمال ۰/۰۵ معنادار است. \*\* در سطح احتمال ۰/۰۰۱ معنادار است.

### بحث و نتیجه گیری

شکل‌گیری احساس هویت از مهم‌ترین تکالیف دوره جوانی، شکل‌گیری احساس هویت است، زیرا نوجوانان در محیط‌های دانشگاهی با انواع تجارب مواجه می‌شوند که می‌تواند توجه به اهداف شخصی، ارزش‌ها، باورها و راه‌حل‌های جایگزین برای مسائل هویت را برانگیزاند. شکل‌گیری هویت در این دوره می‌تواند به روابط دلبستگی فرد تأثیر بگذارد، چرا که در این دوره سنی، رابطه اولیه خود را بازنگری می‌کند و به همین دلیل، میزان دلبستگی ایمن و نسبت به دیگران به خصوص والدین تغییر می‌کند (زیمرن و بیکراستول، ۲۰۰۲).

نتیجه حاصل از ضریب همبستگی صفر مرتبه نشان داد که بین سبک هویتی اطلاعاتی دانشجویان و مؤلفه‌های دلبستگی والدین (اعتماد و ارتباط والدین) رابطه مثبتی وجود دارد.

نتیجه مذکور با مطالعات (حجازی و سلامی، ۱۳۸۸؛ آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷؛ بنسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۲ و گرین و کمبل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰) مطابقت دارد.

حجازی و سلامی (۱۳۸۸) نشان دادند که نوجوانان دارای دلبستگی ایمن به والدین در مواجهه با مسائل هویتی، سبک پردازش اطلاعاتی را ترجیح می‌دهند، یعنی در مواجهه با مسائل آگاهانه و به‌طور فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها اقدام می‌کند. این به‌دلیل کنش حمایتی دلبستگی از طریق والدین است. آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) نیز گزارش دادند که نوجوانان دلبسته ایمن در برابر مسائل و مشکلات آگاهانه مواجه شده و راحت‌تر تصمیم می‌گیرند. نظریه‌های رشد هویت و دلبستگی هر دو تأکید می‌کنند که دلبستگی‌های ایمن با کاوش بیش‌تر در دوران کودکی و نوجوانی ارتباط دارد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). ارتباط با والدین احساس پذیرش در نوجوانان ایجاد می‌کنند که به آن‌ها آزادی تجربه نقش‌های جدید و اتخاذ انتخاب‌ها و تصمیمات مستقل را فراهم می‌کند، در عین حال احساس آرامش می‌کنند که والدین از رفتار آن‌ها حمایت می‌کنند. گرین و کمبل (۲۰۰۰) نشان دادند دانش‌آموزانی که دلبستگی ایمن به والدین داشتند (اجتناب از صمیمیت و اضطراب دلبستگی پایین) به فعالیت‌های اکتشافی بسیار علاقه‌مند می‌شدند.

یافته‌های این پژوهش هماهنگ با پژوهش‌های کندی و همکاران بیان می‌کند بین سبک دلبستگی ایمن و پایگاه هویت موفق رابطه معناداری وجود دارد و این یافته‌ها بر حسب چندین احتمال تبیین می‌شود. همان‌طوری که دلبستگی به کودک اجازه اکتشاف و جستجو در محیط را می‌دهد در نوجوانی نیز دلبستگی این کارکرد را دارا است. نوجوانانی که به والدین خود به‌عنوان پایگاه اصلی دلبسته هستند، سطوح جدیدی از استقلال را از والدین خود کسب می‌کنند و در میان این پایگاه امن به کاوش در نقش‌های اجتماعی و انتخاب‌های مختلف اقدام می‌کنند و به خاطر مسئولیت‌پذیری، پاسخگو و پذیرا بودن والدین‌شان بهتر هویت خود را شکل می‌دهند. علاوه بر این، بعضی از ویژگی‌های نوجوانان دارای سبک دلبستگی ایمن می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا به پایگاه هویت موفق دست یابند (به نقل از باقری و همکاران، ۱۳۸۸).

به عبارت دیگر، می‌توان اشاره کرد که اعتماد، احترام، درک متقابل و کیفیت ارتباط کلامی

1. Benson
2. Green & Campbell

بین والد-فرزند، زمینه یک کاوش باز و انعطاف‌پذیری از اطلاعات مربوط به هویت را فراهم می‌کند. یافته مذکور ایده حاصل از نظریه دلبستگی را تأیید می‌کند مبنی بر اینکه والدینی کیفیت بالا در ادراک کودکان از خود و دیگران سهیم است که آن نیز اعتماد به نفس آن‌ها را میسر می‌کند که برای کشف دنیای اطراف ضروری است (بنسون<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۲). براساس دیدگاه شناختی-اجتماعی، افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی درباره مشاهدات خود شکاک هستند و تمایل دارند که قضاوت درباره رویدادهای اطراف خود را به تعویق بیندازند؛ تا زمانی که بتواند اطلاعات را ارزیابی و پردازش کنند. سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مستقیم با سازگاری تحصیلی، سازگاری شخصی-هیجانی، دلبستگی به دانشگاه، انعکاس خود، تمرکز بر مسأله، سبک معرفت‌شناسی خردگرایانه، نیاز زیاد به شناخت، تصمیم‌گیری براساس نقشه، هوشیاری و پذیرا بودن برای تجربه ارتباط دارد (اسکیان و چنگیزی، ۱۳۸۷؛ میکائیلی منیع، ۱۳۸۹).

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اگر جوان از طرف والدین مورد اعتماد، محبت و پذیرش قرار بگیرد، در او هویت اطلاعاتی ایجاد می‌شود. در حقیقت، این‌گونه نوجوانان تمایل بیشتری به دریافت اطلاعات و ارزیابی آن‌ها دارند، از این اطلاعات در جهت شکل دادن به هویت خود استفاده می‌کنند و در نتیجه از هویت موفق و پیشرفته‌تر بهره‌مند می‌شوند (به نقل از فولاد چنگ و همکاران، ۱۳۸۹).

کمپل (به نقل از فولاد چنگ و همکاران، ۱۳۸۹) نیز بر این امر تأکید داشته که ترکیبی از دلبستگی ایمن و تشویق فرزندان برای استقلال و فردیت می‌تواند با پایگاه‌های در حال هویت‌یابی و موفق در ارتباط باشد. یافته‌های حجازی و نگهبان سلامی (۱۳۸۸) نشان داد که سبک دلبستگی ایمن توان پیش‌بینی سبک هنجاری را دارد. افراد با سبک هنجاری‌ها به شدت به گروه مرجع و افراد مهم زندگی خود متعهد هستند و یکی از کارکردهای دلبستگی، ایجاد یک مدل عملی درونی است که بر اساس روابط شکل می‌گیرد و به تدریج به فرد کمک می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت افراد دارای هویت هنجاری، دلبستگی ایمن با والدین دارند. امنیت خاطری که از طریق رابطه دلبستگی به والدین حاصل می‌شود، باعث اطمینان فرد به توانایی‌های خاص خود می‌شود و همچنین باعث تنظیم رفتارهای فرد در یک چارچوب

1. high. quality parenting
2. Benson

هدفمند برای رسیدن به هویت موفق می‌شود. بررسی‌های ماش و همکاران (نقل از بیرز و گوزنز، ۲۰۰۸) به نقش روابط دل‌بستگی برای رسیدن به هویت موفق تأکید کرده‌اند. نوجوانانی که روابط گرم و صمیمانه‌ای با والدین خود داشتند، مفهوم خود عمیق‌تری داشتند و بیش‌تر به خود اعتماد داشتند و از سازگاری روانی بالاتری بهره‌مند بودند و با مشکلات درگیر می‌شدند و برای یافتن راه حل مناسب تلاش می‌کردند. برزنسکی (۲۰۰۴) نیز رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی را با سبک‌های هویت بررسی کرد. بنابراین، نتایج این پژوهش ضمن همسویی با نتایج پژوهش‌های گذشته، این یافته را تأیید می‌کند که ایجاد اعتماد و دل‌بستگی ایمن به والدین مهم‌ترین عامل شکل‌گیری هویت نوجوان و نحوه مواجهه با مسائل هویتی و اتخاذ تصمیم مناسب هنگام بروز مشکل است.

علاوه بر این، همسو با پژوهش‌های قبلی (برزنسکی، ۱۹۹۰؛ برزنسکی و فراری، ۱۹۹۶؛ برزنسکی، ۲۰۰۸)، سبک اطلاعاتی رابطه مثبتی با پردازش شهودی و منطقی دارد. این نکته بیان‌کننده این است که افراد دارای سبک اطلاعاتی در هر دو نظام‌های استدلالی ماهر هستند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که دانشجویان سبک اطلاعاتی در مواجهه با مسائل هویتی و شخصی خود به استدلال نسبتاً خودکار، همین‌طور به استدلال فعالانه ذهنی اتکا می‌کنند (برزنسکی، ۲۰۰۴). در تکوین هویت خود نیز به استدلال‌های مبتنی بر هیجان یعنی خوش‌بینی، خرافه‌پرستی و تفکر کلیشه‌ای توسل جویند.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، سبک هویتی هنجاری دانشجویان با اطلاعاتی و سردرگمی، شهودی و اعتماد و ارتباط والدین و بیگانگی مادر رابطه مثبتی دارد. در پژوهش کروگر و اشینگر گزارش شده است که افرادی که بیش‌ترین صمیمیت را در روابط با والدین دارند، به هویت زودرس دست می‌یابند. همچنین پژوهش‌های گذشته نشان داد که نوجوانان دارای هویت زودرس، سطوح بالای از حمایت و درگیری<sup>۲</sup> و همین‌طور اختلالات مربوط به فقدان محدوده میان فردی و استقلال را گزارش کردند (نقل از اسمیت<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). به‌طور مشابه، برزنسکی (۲۰۰۴) والدین نوجوانان هنجاری را به‌عنوان والدین حمایتی و تا حدی بیش

- 
1. Beyersa& Goossens
  2. involvement
  3. Smits

تیمار<sup>۱</sup> تصور می‌کند. صالح نصرتی و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی خود به این نتیجه دست یافته‌اند که دلبستگی ایمن به والدین در هویت پیش‌رس نقش دارد، در این صورت ارتباط بیش‌تر با والدین و بیگانگی کم‌تر نسبت به آن‌ها نشان می‌دهند. سبک هنجاری به طور مثبت با استدلال شهودی ارتباط دارد. این موضوع نیز با این دیدگاه همسو است که افراد دارای سبک هنجاری برای کسب اطلاعات هویتی شامل درون‌سازی نسبتاً خودکار و پذیرش ارزش‌ها، معیارها و مکانیسم‌های نظم‌دهی<sup>۲</sup>، که به وسیله گروه‌های مرجع و افراد مهم تأیید می‌شود، از روش معمولی استفاده می‌کنند (برزنسکی، ۱۹۹۰؛ سونز و همکاران، ۲۰۰۵).

از دیگر دستاوردهای پژوهش حاضر آن است که سبک اجتنابی- سردرگمی تنها با پردازش منطقی رابطه منفی دارد که با این یافته همخوان است که اجتناب‌گرایان سردرگم، توجه محدودی درباره ملاحظات منطقی و تلویحات منطقی درازمدت دارند (برزنسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۴).

اگر چه این یافته‌ها توانستند تقریباً یک سوم واریانس سبک‌های هویتی را تبیین کنند، سایر متغیرهای مؤثر بر رشد و شکل‌گیری هویت از جمله ویژگی‌های روان‌شناختی افراد، همدلی، ساختار خانواده، تفرّد- جدایی و... سهم به‌سزایی در پیش‌بینی نوع سبک‌های هویتی آن‌ها دارد که در پژوهش‌های آینده مدنظر قرار گیرد.

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر به غنای مباحث نظری در زمینه نقش فرآیندهای شناختی- اجتماعی خودکار و منطقی در پردازش اطلاعات مربوط به خود و شکل‌گیری هویت سالم جوانان کمک می‌کند (برزنسکی، ۲۰۰۸، ۲۰۰۴). با توجه به سهم بیش‌تر پردازش منطقی در سبک اطلاعاتی به نظر می‌رسد که امور فرهنگی دانشگاه‌ها و نظام آموزشی جامعه باید در امر خویش‌شناسی نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند و فضای مناسبی را برای اندیشه‌ورزی نسبت به درون‌سازی باورها، ارزش‌های فرهنگی جامعه به صورت آگاهانه فراهم کند.

در تعمیم نتایج مطالعه حاضر، برخی از محدودیت‌های احتمالی باید در نظر گرفته شود. نخست، متغیرهای پیش‌بین و ملاک پژوهش حاضر از طریق ابزارهای خودگزارشی‌ها ارزیابی

1. overprotective
2. regulatory mechanisms



شدند که نتایج ادراک شرکت‌کنندگان را از سازه‌های مورد اندازه‌گیری نشان می‌داد، زیرا سازه‌های مورد اندازه‌گیری ممکن است تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی فردی و خانوادگی متفاوت قرار گیرند، بسیار مفید خواهد بود در پژوهش‌های آینده از سنجش‌های مستقیم برای اندازه‌گیری متغیرها استفاده شود.

از دیگر محدودیت‌ها، استفاده از طرح همبستگی بود که داده‌های جمع‌آوری شده در مقطعی از زمانی به دست آمده است و آن مانع دستیابی به تفسیرهای علیتی دقیق (تجربی) می‌شود. بنابراین، برای ارزیابی ارتباط بین ابعاد دلبستگی والدین و فرایندهای شناختی و سبک‌های پردازش هویتی در سنین مختلف، پیشنهاد می‌شود از پژوهش‌های طولی استفاده شود. محدودیت بعدی به تعمیم‌پذیری یافته‌ها مربوط می‌شود که نمونه حاضر را دانشجویان اول و دوم تشکیل می‌دادند، در نتیجه نتایج به دست آمده نمی‌تواند به سایر جمعیت قومی و فرهنگی تعمیم یابد. پیشنهاد می‌شود محققان این روابط را در جمعیت‌های دیگر بررسی کنند.

Archive of SID

## منابع

- اسکیان، پرویز و چنگیزی، فرهاد (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه شیراز، ۲۱-۲۲.
- باقری، خدیجه، بهرامی، هادی و جلالی، محمدرضا (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ سال. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۳ (۱۱): ۸۵-۹۹.
- حجازی، الهه و نگهبان سلامی، محمود (۱۳۸۸). رابطه ابعاد دلبستگی به والدین و همسالان با هویت در نوجوانان. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۹ (۱): ۱۰۷-۱۳۱.
- صالح نصرتی، محمد، مظاهری، محمدعلی و حیدری، محمود (۱۳۸۵). بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن پسران نوجوان (۱۴، ۱۶، ۱۸ ساله) به والدین و همسالان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲ (۵): ۳۵-۵۳.
- فولاد چنگ، محبوبه، شیخ‌الاسلامی، راضیه و صفری، هاجر (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان بر اساس ابعاد فرزندپروری. مجله روان‌شناسی، ۱۴ (۱): ۴-۱۷.
- فیض آبادی، زهرا، فرزاد، ولی الله و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۵). بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی. مطالعات روان‌شناختی، ۳ (۲): ۶۵-۹۰.
- میکائیلی منیع، فرزانه (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. مطالعات روان‌شناختی، ۶ (۲): ۵۱-۷۵.
- Aiken, L.S., & West, S.G. (1991). *Multiple regression: Testing and interpreting interactions*. Newbury Park, CA: Sage.
- Armsden, G. C., & Greenberg, M.T. (1987). The Inventory of Parent and Peer Attachment; Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16, 427-454.
- Ávila, M., Cabral, J. & Matos, M. P. (2011). Identity in university students: The role of parental and romantic attachment. *Journal of Adolescence*, 1-10.
- Benson, M. J., Harris, P. B., & Rogers, C. S. (1992). Identity consequences of attachment to mothers and fathers among late adolescents. *Journal of Research on Adolescence*, 2, 187-204.
- Berzonsky, D. M. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44: 645-655.

- Berzonsky, M. D. (1990).** Self-construction over the life span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology*, 1, 155–186.
- Berzonsky, M. D. (2004).** Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1, 303–315.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996).** Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597–606.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2005).** Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235–247.
- Beyers, W. & Goossens, L. (2008).** Dynamics of perceived parenting and identity formation in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 31: 165-184.
- Boyes, M. C., & Chandler, M. (1992).** Cognitive development, epistemic doubt, and identity formation during adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 21, 277–304.
- Cacioppo, J. T., & Petty, R. E. (1982).** The need for cognition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 116–131.
- Cacioppo, J. T., Petty, R. E., & Kao, C. (1984).** The efficient assessment of need for cognition. *Journal of Personality Assessment*, 48, 306–307.
- Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004).** Religiosity, personality, and identity styles: An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality*, 72, 877–910.
- Epstein, S. (1990).** Cognitive-experiential theory. In L. Previn (Ed.), *Handbook of personality theory and research* (pp. 165–192). New York: Guilford Press.
- Epstein, S., Pacini, R., Denes-Raj, V., & Heier, H. (1996).** Individual differences in intuitive-experiential and analytical-rational thinking. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 390–405.
- Green, J. D., & Campbell, W. K. (2000).** Attachment and exploration in adults: Chronic and contextual accessibility. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, 452-461.
- Klaczynski, P. A. (2004).** A dual-process model of adolescent development: Implications for decision making, reasoning, and identity. In Robert V. Kail (Ed.), *Advances in Child Development and Behavior*, 32, 73–123.
- Marcia, J. E. (1980).** Identity in adolescence. In J. Adelson (Ed.), *Handbook of adolescent psychology* (pp. 159–187). New York: Wiley.
- Matos, P. M; Barabosa, S; Dealmeda, H. M. & Costa, M. E. (1999).** Parental attachment and identity in portugese late adolescents. *Journal of Adolescence*. 22, 805 - 818.
- Smits, I. Soenens, B., Luyckx, K., Duriez, B. Berzonsky, M. & Goossens, L. (2008).** Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents' processing of identity-relevant information, *Journal of Adolescence* 31:151–164.
- Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossens, L. (2005).** Identity styles and causality orientations: In search of the motivational

underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality*, 19, 427-442.

**Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2001).** *Using multivariate statistics* (4th ed.). Allyn and Bacon: Boston.

**Zimmerman, P, Becker-Stoll, F. (2002).** Stability of attachment representation of ego identity status. *Journal of Adolescence*. 25. 107 -124.

Archive of SID